

فصلنامه فرهنگی - دفاعی زنان و خانواده

سال پنجم، شماره ۱۷، بهار ۱۳۹۰

### بررسی وضعیت فعالیت و اشتغال زنان در استان سیستان و بلوچستان

تاریخ دریافت مقاله: ۸۹/۱/۲۹	مجنبی عباسیان <sup>۱</sup>
تاریخ تأیید مقاله: ۸۹/۷/۲	حسین ابراهیم زاده اسمین <sup>۲</sup>
صفحات مقاله: ۱۴۷-۱۷۷	نورمحمد ناظریان <sup>۳</sup>
	یونس ایرنگانی <sup>۴</sup>

#### چکیده

نقش اشتغال در پویایی زندگی انسان انکار ناپذیر است و می‌توان آن را کانون ارتباطات انسانی و اجتماعی تلقی کرد. در جهت این پویایی بی‌تردید زنان به عنوان نیمی از جمعیت، تاثیر مستقیمی در توسعه جامعه دارند، زیرا هدف هر جامعه‌ای، به حداکثر رساندن رفاه اجتماعی است و رفاه اجتماعی تابعی از درآمد سرانه، توزیع عادلانه درآمد، بهبود سطح امکانات آموزشی، بهداشتی، رفاهی و میزان مشارکت اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی مردان و زنان می‌باشد. بنابراین این مقاله به بررسی مشارکت اقتصادی، اشتغال و بیکاری زنان استان سیستان و بلوچستان در دوره ۱۳۳۵-۱۳۸۵ می‌پردازد. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که با وجود پیشرفت‌های نسبی طی دهه‌های گذشته، میزان فعالیت و اشتغال زنان در استان نسبت به مردان استان و زنان استان‌های دیگر پایین‌تر

۱. عضو هیئت علمی دانشگاه علوم دریایی و دریانوردی چابهار

۲. استادیار جغرافیا، دانشگاه سیستان و بلوچستان

[eb Bram291@yahoo.com](mailto:eb Bram291@yahoo.com)

۳. عضو هیئت علمی دانشگاه سیستان و بلوچستان

۴. عضو هیئت علمی دانشگاه سیستان و بلوچستان

است. این حقیقت که میزان فعالیت زنان برای مدت چهل سال بدون تغییر باقی مانده است، نیاز به توجه جدی نیاز دارد. با این وجود، هنوز بنا به دلایل زیادی به اهمیت و لزوم شرکت زنان در فعالیت‌های اقتصادی و مشارکت مستقیم در تولید ملی توجه شایسته‌ای نشده است.

\* \* \* \* \*

#### کلیدواژه:

مشارکت اقتصادی، میزان فعالیت اقتصادی، زنان، اشتغال، نیروی کار.

#### مقدمه

اشتغال و بیکاری از جمله موضوعات اساسی اقتصادی هر کشور است. به گونه‌ای که آمار اشتغال بالا و بیکاری پایین از جمله شاخص‌های مهم توسعه یافتگی جوامع به شمار می‌روند. در این راستا امروزه در جوامع توسعه یافته مشارکت زنان در بازار کار امری معمول و متداول است، دولت‌ها با فراهم کردن شرایط لازم و مناسب برای زنان و مردان، آنان را در مشارکت اقتصادی جامعه سهم کرده‌اند. هم‌چنین سهم اشتغال زنان برای بالا بردن نرخ تولید ناخالص داخلی کشورها برجسته شناخته شده است. کشور ایران با نرخ مشارکت ۵/۱۱ درصدی زنان در بازار کار در مقایسه با دیگر کشورهای در حال توسعه منطقه خاورمیانه در سطح پایینی قرار دارد.

از آن‌جا که حق کار از حقوق اساسی انسان در اجتماع می‌باشد، افراد باید از امکانات موجود در جامعه جهت اشتغال به صورت عادلانه بهره‌مند شوند و فرصت‌های شغلی، با در نظر گرفتن استعداد و توانایی‌های فردی و نه بر حسب جنسیت برای افراد فراهم شود. از این رو عدم دسترسی زنان به شغل مناسب و یا عدم ارتقای شغلی آنان علاوه بر دامن زدن به بی‌عدالتی اجتماعی، بر بسیاری از متغیرهای اجتماعی نظیر فقر و بیماری تأثیر منفی می‌گذارد و عامل مهمی در سد کردن راه رشد و تعالی انسان است.

بحث مشارکت اقتصادی نیروی کار در اقتصاد ایران دارای اهمیت فراوانی است. تاکنون توسعه اشتغال سرلوحه کار همه برنامه‌های توسعه ایران بوده است. دستیابی به سطح بالای اشتغال به عوامل مختلفی بستگی دارد و با موانع گوناگونی نیز روبه‌روست. عدم کفایت لازم در اشتغال‌زایی، میزان پایین فعالیت اقتصادی، بی‌کاری و به خصوص کمبود تقاضای نیروی کار از مشکلات اصلی

بازار کار در ایران به شمار می‌رود. برای حل همه این مشکلات، به طراحی و به کارگیری سیاست‌های استخدامی مؤثر و جسورانه بسیار نیاز است که باید با برنامه‌ای همه جانبه همراه باشد. باید چنین سیاست‌هایی به عنوان تعهدات ملی، ایجاد و حمایت شود. با وجود این، آشکار است که سیاست‌های اشتغال نمی‌تواند به اهداف وسیع‌تری دست یابد، مگر آن که توجه ویژه‌ای به استخدام زنان شود. بنابراین، این مقاله به طوری ویژه به فعالیت اقتصادی و اشتغال زنان در استان سیستان و بلوچستان می‌پردازد. تحقیق حاضر نشان می‌دهد که فعالیت اقتصادی و میزان اشتغال زنان بسیار پایین است. البته میزان اشاره شده برای مردان در استان سیستان و بلوچستان نیز در مقایسه با استان‌های دیگر پایین است؛ ولی توجه اصلی در این جا به زنان محدود شده است.

#### پیشینه تحقیق

اگر چه فعالیت‌های اقتصادی زنان یکی از مهم‌ترین موضوعات اقتصاد است، به ندرت در مباحث اقتصادی به صورت جدی مطرح شده است. در بیشتر بحث‌هایی که در ایران در مورد فعالیت اقتصادی و اشتغال صورت گرفته، به مشارکت اقتصادی و استخدام زنان به صورت شایسته پرداخته نشده است. در این میان جواهری و همکاران (۱۳۸۹) در تحقیق خود به تحلیل اثرات اشتغال زنان بر کیفیت زندگی آنان پرداخته‌اند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که از بین معرفت‌های مختلف وضعیت شغلی؛ تنوع‌پذیری و تناسب شغل با مهارت و تخصص، با کیفیت زندگی، رابطه‌ای مثبت وجود دارد. در واقع افرادی که از وضعیت شغلی مناسب‌تری برخوردار هستند، کیفیت زندگی مناسب‌تری هم دارند. علاوه

بر این، وجود رابطه میان خشنودی شغلی و کیفیت زندگی زنان نیز تأیید شده است. جعفرنژاد و اسفیدانی (۱۳۸۴) در مقاله خود، وضعیت زنان در اشتغال و مدیریت مطالعه موردی ایران را بررسی کرده‌اند. بررسی آنان نشان داد یکی از شاخص‌های مهمی که به عنوان معیار توسعه‌ی جنسیتی و نیز توان‌مندسازی زنان مورد توجه قرار می‌گیرد، میزان مشارکت زنان در تصمیم‌گیری‌های کلان کشور و هم‌چنین حضور آنان در پست‌های مدیریتی است. علی‌رغم برنامه‌ریزی‌هایی که در این حوزه انجام شده حضور زنان در پست‌های مدیریتی هنوز چشم‌گیر نیست و به نظر می‌آید که زنان در مسیر پیشرفت شغلی خود در سطوح مدیریتی با مسائل و مشکلات زیادی روبه‌رو هستند که این موضوع نه تنها در کشورهای در حال توسعه، بلکه در کشورهای توسعه یافته نیز هنوز در حد یک مسئله باقی مانده و صاحب نظران نتوانستند آن گونه که باید پاسخی برای آن بیابند. گلرد (۱۳۸۴) در تحقیق خود عوامل موثر در توسعه کارآفرینی زنان ایرانی را مورد بررسی قرار داد. نتایج بیانگر آن است که زنان کارآفرین با شبکه اولیه ارتباطی، رابطه‌ای قوی دارند و عوامل و شرایط محیطی کشور، برای توسعه کسب و کار زنان شرایط مساعد و سوق دهنده‌ای محسوب نمی‌شود و زنان ایرانی در توسعه کارآفرینی با موانع محیطی جدی روبرو هستند.

مرکز امور مشارکت زنان (۱۳۸۰) در پژوهشی به بررسی سازوکارهای مناسب در ایجاد فرصت‌های اشتغال زنان در بخش‌های دولتی طی دوره ۱۳۷۹ - ۱۳۸۰ پرداخته است. در این تحقیق ارتقای کمی و کیفی اشتغال زنان در بخش‌های دولتی از طریق بازنگری سیاست‌های فعلی اشتغال زنان و مهندسی مجدد ساختار آن برآورد و ارزشیابی شده است (وزرات کشور، مرکز امور مشارکت زنان، ۱۳۸۰).

نیهار رآن جان و سآن جای کومار (۲۰۰۳) در مقاله‌ای با عنوان الگوی نقش

نیروی کار در ایالت‌ها و مناطق هندوستان نشان دادند که ایالاتی که فقر بیشتری دارند، بر کارگران کشاورزی تمرکز بیشتری دارند. در بخش کشاورزی حضور زنان بسیار چشمگیر بوده است. با وجود این، علی‌رغم افزایش میزان مشارکت زنان، وضعیت اقتصادی آنان بهبود نیافته است.

لینگ یانگ (۲۰۰۰) در مقاله‌ای به بررسی آموزش، میزان مشارکت، زنان متأهل، باروری و رشد اقتصادی پرداخته است. نتایج نشان می‌دهد که فزاینده بودن هزینه‌های داشتن فرزند باعث کاهش تمایل زنان به فرزنددار شدن و افزایش تمایل آن‌ها به فعالیت اقتصادی شده است. هم‌چنین مدل ارائه شده در این مقاله با استفاده از آمارهای اجتماعی تایوان نشان می‌دهد که در مراحل مختلف توسعه اقتصادی، هر چه هزینه‌های آموزش بیشتر باشد، میزان مشارکت زنان بالاتر است و افزایش مشارکت زنان سهم مهمی در رشد پایدار اقتصادی دارد. امیل دل‌بونو (۲۰۰۲) در تحقیقی به مطالعه میزان کل باروری و مشارکت زنان در انگلستان و ایتالیا پرداخته است. در این بررسی، فرضیه رابطه بیکاری با میزان مشارکت و باروری زنان در دو کشور ایتالیا و انگلستان مورد آزمون قرار گرفته است.

### هدف تحقیق

عرضه نیروی انسانی در ایران با توجه به افزایش بی‌رویه جمعیت در دهه ۱۳۵۵-۱۳۶۵ بیشتر تابع ساختار سنی جمعیت می‌باشد، که البته برای زنان علاوه بر این، تابع عوامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز می‌باشد. در این مقاله با توجه به ضرورت، اهمیت فعالیت و اشتغال زنان در جامعه با استفاده از داده‌های سرشماری، بویژه سرشماری سال ۱۳۸۵، روند تحولات فعالیت و اشتغال زنان در استان سیستان و بلوچستان بررسی می‌شود.

### مبانی نظری

زنان در بازار کار از لحاظ نوع شغل، موقعیت اشتغال و میزان درآمد ناشی از کار با شرایطی متفاوت نسبت به مردان روبه رو هستند که نظریه‌هایی به منظور تحلیل و تبیین این تفاوت‌ها شکل گرفته است. نظریه‌های اصلی در این زمینه، نظریه نئوکلاسیک، نظریه تفکیک شدن بازار کار و نظریه جنسیت می‌باشند:

۱. نظریه نئوکلاسیک: این نظریه برای تبیین تفاوت‌های جنسیتی و اختلاف درآمد بین کار مردان و زنان به متغیرهایی نظیر مسئولیت‌های خانوادگی، نیروی جمعیتی، آموزش‌های عمومی، غیبت و جابه‌جایی از کار اشاره می‌کند و این عوامل را در میزان بهره‌وری نیروی کار موثر می‌داند.

۲. نظریه تفکیک بازار کار: در این‌جا بین دو گروه از مشاغل تفاوت وجود دارد. مشاغل گروه اول که از لحاظ پرداخت مزد، تامین بیشتر و فرصت‌های بیشتر وضع نسبتاً خوبی دارند. مشاغل گروه دوم با مزد کمتر، تأمین کمتر و محدودیت در زمینه امکان پیشرفت روبه‌رو هستند. در مشاغل گروه اول ثبات کارگر در کار برای کارفرما اهمیت دارد. جابه‌جایی که در کار زنان دیده می‌شود، احتمال جذب آن‌ها را به مشاغل گروه دوم بیشتر می‌کند.

۳. نظریه مبتنی بر جنسیت: نکته اصلی این نظریه این است که موقعیت تابعی زنان در بازار کار و خانواده با یکدیگر مرتبط و جزئی از یک سیستم اجتماعی است که زنان تابع مردان هستند (یزدخواستی و احمدی، ۱۳۸۶).

### علل رویکرد زنان به اشتغال

مشارکت زنان به عنوان نیمی از پیکر جامعه در فعالیت‌های اقتصادی، از جمله اصول اساسی و اجتناب‌ناپذیر اهداف توسعه در برنامه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در تمامی جوامع بشری به شمار می‌رود و این امر در کشوری چون ایران که از کشورهای در حال توسعه است از اهمیت بیشتری برخوردار است. لذا بررسی و شناخت انگیزه زنان برای اشتغال می‌تواند به آسیب شناسی جامعه و خانواده کمک کند. انگیزه‌های زنان برای اشتغال عبارتند از:

#### ۱ - رهایی از محیط یکنواخت خانه

برخی از زنان که بیرون از خانه به حرفه‌ای مشغول هستند می‌گویند خوشبخت‌تر هستند و چون درآمد کسب می‌کنند، می‌توانند هزینه عدم حضور خود را در خانه تأمین کنند. از این رو بعضی از زنان با پناه بردن به اشتغال و محیط بیرون از منزل می‌خواهند زندگی خود را متحول کرده و از یکنواختی زندگی و خانه‌داری نجات پیدا کنند.

#### ۲ - بهبود وضع اقتصاد خانواده

پاسخ به نیازهای روزافزون خانواده، نه تنها مردان را به سوی اشتغال در جایگاه‌های مختلف شغلی سوق می‌دهد، بلکه زنان را نیز برای فراهم آوردن امکانات رفاهی بیشتر خانواده به سوی اشتغال ترغیب می‌کند.



### ۳ - کسب استقلال اقتصادی

به عقیده برخی از کارشناسان اجتماعی، وابستگی اقتصادی زن به مرد یک عامل بازدارنده و تضعیف کننده موفقیت زن در خانواده و اجتماع می‌باشد. لذا زن در سایه اشتغال می‌خواهد خود را از بند وابستگی برهاند. تحلیل‌گران معتقدند زنان شاغل با کسب درآمد و استقلال اقتصادی می‌توانند راحت‌تر به سایر آزادی‌ها دست یابند.

### ۴ - کسب هویت و موقعیت اجتماعی

برخی از زنان بر این تفکر هستند که اشتغال و تحصیل باعث رشد و ارتقای منزلت اجتماعی آنان می‌شود و فرصتی برای حضور فعال و رقابتی در تعامل با مردان پیدا خواهند کرد.

### ۵ - تأمین کسری هزینه‌های خانواده

هر چند در قانون کشور، مرد مسئول تأمین هزینه‌های همسر و فرزندان می‌باشد اما در بعضی از خانواده‌ها، مرد به دلایل مختلف مثل ازکارافتادگی، بیماری، اعتیاد و فوت یا قادر به کار نیست و یا درآمد او کفاف هزینه‌های خانواده را نمی‌دهد، لذا زن مجبور به کار کردن در بیرون خانه برای تأمین مخارج خود و خانواده می‌شود.

از دیگر علل رویکرد زنان به اشتغال می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- پرکردن اوقات فراغت و زمان بیکاری
- عدم ارزش‌گذاری به کار خانگی (از سوی جامعه) و تصور اتلاف وقت

- به دست آوردن پشتوانه‌ای برای دوران کهنسالی
- اشباع خواسته‌های کاذب

### جمعیت فعال اقتصادی زنان در استان سیستان و بلوچستان

تقریباً زنان، نیمی از جمعیت ایران و استان سیستان و بلوچستان را تشکیل می‌دهند. در این مورد که زنان در جامعه و همچنین زندگی اقتصادی مهم‌ترین نقش را دارند، همیشه اتفاق نظر وجود داشته است. با وجود این، نقش زنان نه تنها به وسیله نظام اقتصادی، بلکه به وسیله عوامل فرهنگی و اجتماعی تحت تأثیر قرار گرفته است. در بسیاری از کشورهای توسعه یافته نزدیک به پنجاه درصد جمعیت فعال اقتصادی را زنان تشکیل می‌دهند، در حالی که میزان فعالیت زنان در کشورهای در حال توسعه کمتر است. نقش زنان در بازار کار ایران از جنبه‌های مختلف به ویژه توسعه منابع انسانی، ارزش‌های اجتماعی، شرایط خانوادگی و سیاست‌های اشتغال نیاز به بررسی دارد. از میزان مشارکت اقتصادی افراد در جامعه غالباً به میزان کل (خام) فعالیت اقتصادی تعبیر می‌شود. این میزان عبارت است از نسبت کل جمعیت فعال اقتصادی به کل جمعیت (همه سنین). حداقل محدوده سنی برای جمعیت فعال اقتصادی سن پانزده سال و بالاتر است زیرا به کارگیری افراد زیر پانزده سال منع قانونی دارد. اما در ایران افراد زیر پانزده سال جزء بازار کار به حساب می‌آیند. بنابراین برای به حساب آوردن کل نیروی کار بهتر است همه افراد از هر دو جنس که ذخیره نیروی کار را تشکیل می‌دهند، به عنوان مبنا در نظر گرفته شوند. در آغاز بحث داده‌های مربوط به جمعیت فعال اقتصادی ده ساله و بالاتر در استان سیستان و بلوچستان ارائه می‌شود. جدول شماره (۱) جمعیت فعال اقتصادی زنان و مردان طی بیش از چهار دهه گذشته را نشان می‌دهد.

### روش

این مطالعه به روش کتابخانه‌ای با بررسی پژوهش‌های مرتبط با موضوع و اطلاعات آماری موجود در سالنامه‌های آماری در دسترس انجام شده است.

جدول شماره (۱): جمعیت فعال اقتصادی ۱۰ ساله و بالاتر استان سیستان و

#### بلوچستان ۱۳۳۵-۱۳۸۵

شرح	۱۳۳۵	۱۳۴۵	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۰	۱۳۷۵	۱۳۸۵
جمعیت کلی زنان	۱۳۷۹۷۶	۱۴۴۹۵۴	۲۱۴۳۹۳	۳۵۰۲۴۷	۴۳۴۳۴۴	۵۶۸۷۵۳	۸۷۸۰۳۹
جمعیت فعال زنان	۱۰۷۹۹	۱۲۵۱۴	۱۰۹۷۵	۱۹۶۴۵	۲۶۷۶۸	۲۶۷۸۹	۹۰۹۷۹
میزان فعالیت زنان (%)	۷/۸۲	۸/۶۳	۵/۱۱	۵/۶	۱۶/۶	۴/۷	۱۰/۳۶
میزان فعالیت مردان (%)	۸۵/۲	۷۷/۶۷	۷۶/۱	۶۸/۸۷	۶۵/۸	۵۴/۱	۵۸/۹۵
میزان فعالیت کل (%)	۴۷/۴	۴۳/۸۶	۴۱/۳	۳۷/۹۲	۳۶/۹۶	۲۹/۸۶	۳۴/۹۹

مأخذ: محاسبات تحقیق و سالنامه آماری استان سیستان و بلوچستان، ۱۳۸۸

### یافته‌ها

جدول شماره (۱) نشان می‌دهد که در سال ۱۳۸۵ فقط ۱۰/۳۶ درصد از زنان در استان سیستان و بلوچستان از نظر اقتصادی فعال بوده‌اند؛ یعنی از هر ده زن فقط یک نفر در خارج از خانه مشغول به کار یا در جستجوی کار بوده است. حقایق بسیاری در وری این اعداد نهفته است. اول این که میزان ۱۰/۳۶ درصدی فعالیت زنان در مقایسه با فعالیت ۵۸/۹۵ درصدی مردان بسیار پایین است. ثانیاً میزان فعالیت زنان استان در مقایسه با زنان استان‌های دیگر بسیار پایین‌تر است.

نتایج مطالعه‌ای که زراء نژاد (۱۹۹۸) انجام داده است، نشان داد که میزان مشارکت زنان در ایران در میان بیش از صد کشور مورد مطالعه کمترین است. ثالثاً، در سال ۱۳۸۵ میزان فعالیت زنان تنها ۳ درصد بیشتر از مقدار آن در سال ۱۳۳۵

است. زنان غیرفعال اقتصادی در سنین ده سال به بالا اغلب خانه دار هستند. از آن جا که سن متوسط ازدواج برای دختران تقریباً ۲۳ سال است، زنان غیرفعال اقتصادی ۲۳ سال و بالاتر به عنوان زنان خانه‌دار در نظر گرفته شده‌اند.

جدول شماره (۲): زنان غیرفعال اقتصادی ۱۰ ساله و بالاتر استان سیستان و

#### بلوچستان در ۱۳۶۵-۱۳۸۵

سال	کل	خانه دار	محصل	دارای درآمد بدون کار	سایر
۱۳۶۵	۳۳۰۶۰۲	۳۱۱۲۳	۲۶۵۶۹۰	۲۴۷۷	۳۱۳۱۲
۱۳۷۰	۴۰۷۵۷۶	۶۶۳۸۵	۲۹۶۵۷۳	۳۸۴	۳۸۷۰۹
۱۳۷۵	۵۴۱۹۶۴	۱۱۴۰۳۹	۳۳۷۳۰۴	۱۲۷۰۸	۷۲۹۵۲
۱۳۸۵	۷۶۷۲۵۵	۱۸۵۹۴۸	۴۸۶۷۵۷	۲۶۳۶۸	۶۸۱۸۲

مأخذ: محاسبات تحقیق و سالنامه آماری استان سیستان و بلوچستان، ۱۳۸۸

جدول شماره (۲) نشان می‌دهد که در سال ۱۳۸۵، تقریباً ۲۵ درصد از زنان ده سال و بالاتر عموماً به دلیل خانه‌داری و ۶۳ درصد به دلیل اشتغال به تحصیل، به طور مستقیم در فعالیت‌های اقتصادی و تولید ملی به طور مستقیم شرکت ندارند.

### ۳- اشتغال زنان

مشارکت زنان در فعالیت‌های اقتصادی نه تنها در توسعه ظرفیت‌ها و توانایی‌های زنان، بلکه در توسعه اقتصادی و اجتماعی جامعه نقشی کلیدی دارد. استانی که به دنبال توسعه یا تسریع فرایند توسعه است، نمی‌تواند نیمی از نیروی انسانی خود را نادیده بگیرد. جامعه هنگامی توسعه می‌یابد که همه اعضای جامعه - اعم از زن و مرد- فرصت برابر و انگیزه قوی برای مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی را داشته باشند. با توجه به شرایط اقتصادی جامعه، نگرش عمومی نسبت به اشتغال و

تحصیل دختران تغییر یافته و این امر باعث شده که نیروی کار زنان افزایش یابد. بر اساس تحقیقات انجام شده، در سال ۱۳۹۰ تعداد نیروی کار زنانی که وارد بازار کار می‌شوند، با مردان برابر خواهد شد (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۳).

### میزان اشتغال

با توجه به میزان پایین فعالیت اقتصادی زنان در استان سیستان و بلوچستان، واضح است که تعداد زنان شاغل چه از نظر نسبی و چه از نظر مطلق خیلی پایین است. علی‌رغم موانع قانونی، تعدادی از دختران زیر پانزده سال به کار اشتغال دارند که بیشتر آن‌ها زیر سن ده تا چهارده سال هستند. بنابراین جدول زیر درصد زنان شاغل ده سال به بالا را در نظر می‌گیرد تا تصویر واقعی‌تری از مقدار اشتغال زنان استان سیستان و بلوچستان ارائه دهد.

جدول شماره (۳): زنان شاغل ده ساله و بالاتر استان سیستان و بلوچستان در دوره

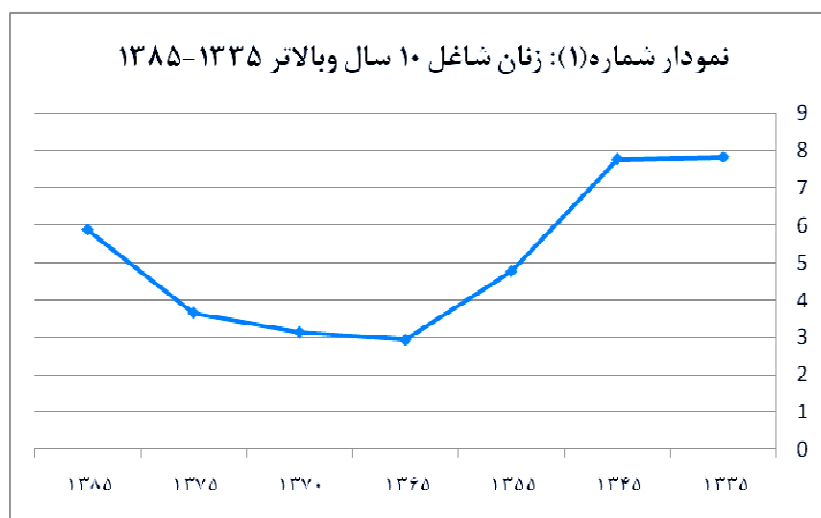
۱۳۸۵-۱۳۳۵

شرح	۱۳۳۵	۱۳۴۵	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۰	۱۳۷۵	۱۳۸۵
زنان شاغل (%)	۷/۸۱	۷/۷۶	۴/۷۶	۲/۹۴	۳/۱۳	۳/۶۵	۵/۸۸

مأخذ: محاسبات تحقیق و سالنامه آماری استان سیستان و بلوچستان، ۱۳۸۸

همان‌گونه که در جدول شماره (۳) و نمودار شماره (۱) ملاحظه می‌شود، در سال ۱۳۸۵ نسبت زنان شاغل ده ساله و بالاتر نسبت به جمعیت زنان ده ساله و بالاتر ۵/۸۸ درصد بوده که نسبت به ده سال قبل تقریباً دو درصد افزایش را نشان می‌دهد که این نسبت در سال ۱۳۳۵ به میزان ۷/۸۱ درصد بوده، اما از آن به بعد تا ۱۳۷۰ روندی نزولی را طی کرده است و بنابراین سه نکته روشن می‌شود: اول، در

سال ۱۳۸۵ (و پیش از آن) فقط اندکی از زنان شاغل بودند؛ دوم، از دهه ۱۳۵۰ تا ۱۳۸۰ نسبت زنان شاغل کاهش یافته است؛ به عبارتی دیگر پس از گذشت چهل سال هنوز میزان اشتغال زنان تغییر محسوسی نکرده است. وضعیت اشتغال زنان در مناطق روستایی و شهری از میزان اشتغال و روند تغییرات آن در دوره ۱۳۳۵-۱۳۸۵ نسبتاً مشابه بوده است. در سال ۱۳۸۵ نسبت زنان شاغل در مناطق روستایی کمی بیشتر از این نسبت در سال ۱۳۳۵ بوده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۲).



مأخذ: برگرفته از جدول شماره (۳)

### میزان بی‌کاری زنان

علی‌رغم این که زنان سهم کمی در اشتغال استان سیستان و بلوچستان داشته‌اند، طی چند دهه اخیر بی‌کاری در میان آنان افزایش یافته است. جدول زیر تعداد و نسبت زنان غیرشاغل ده ساله به بالا را طی سال‌های ۱۳۳۵-۱۳۸۵ نشان می‌دهد.

جدول شماره (۴): زنان بی کار با سن ده ساله و بالاتر استان سیستان و بلوچستان در

دوره ۱۳۳۵-۱۳۸۵

شرح	۱۳۳۵	۱۳۴۵	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۰	۱۳۷۵	۱۳۸۵
جمعیت زنان فعال اقتصادی	۱۰۷۹۹	۱۲۵۱۴	۱۰۹۷۵	۱۹۶۴۵	۲۶۷۶۸	۲۶۷۸۹	۹۰۹۷۹
زنان بیکار	کل	۱۰	۱۲۶۱	۷۶۱	۹۳۷۴	۶۰۱۳	۳۹۳۵۵
	درصد	۰/۱	۱۰	۶/۹۴	۴۷/۷۲	۴۹/۲۴	۲۲/۴۵

مأخذ: محاسبات تحقیق و سالنامه آماری استان سیستان و بلوچستان، ۱۳۸۸

در سال ۱۳۳۵ تقریباً ۰/۱ درصد از زنان فعال اقتصادی بی کار بودند. اما پس از یک دهه در سال ۱۳۴۵ به بیش از ۹۹ برابر افزایش یافت و پس از یک اوج در سال ۱۳۷۰ در دهه های بعد اندکی کاهش نشان داد و در سال ۱۳۸۵ تقریباً دو برابر میزان بی کاری مردان شد. در سال ۱۳۸۵ تقریباً ۴۳ درصد از زنان فعال اقتصادی بی کار بودند. علاوه بر نرخ بالای بی کاری طی دوره ی مورد مطالعه، مدت بی کاری زنان (و مردان) نیز فرآیندی طولانی داشته است.

#### ساعات کار

جنبه ی دیگر اشتغال مربوط به ساعات کار در هر روز یا هفته است. در ایران و استان سیستان و بلوچستان همانند سایر نقاط، ساعت کاری زنان از مردان کمتر است. در حالی که متوسط ساعات کار هفتگی در ایران در سال ۱۳۸۲ (زنان و مردان) ۵۱ ساعت بود، متوسط ساعات کار زنان فقط ۴۰/۱ ساعت بود که این رقم تقریباً ده ساعت کمتر از ساعت کار مردان بود. کار نیمه وقت برای زنان متأهل در اغلب کشورها به اشتغال زنان کمک شایانی کرده است، در حالی که در ایران

کمتر به نقش و اهمیت کارهای نیمه وقت و پاره وقت توجه شده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۲).

#### ۴- شغل زنان

زنان استان سیستان و بلوچستان اغلب به کارهایی مشغول هستند که مستلزم مهارت یا آموزش اندک و با دستمزد پایین است. از جدول زیر می‌توان به این حقیقت دست یافت.

جدول شماره (۵): توزیع زنان فعال اقتصادی ده ساله و بالاتر استان سیستان و

بلوچستان، سالهای ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵

۱۳۸۵	۱۳۷۵	شرح
۱۵/۰۱	۱۲/۴۱	فانونگذاران، مقامات عالی رتبه و مدیران
۴۱/۴۷	۳۵/۳۵	متخصصان
۱۶/۲۲	۱۵/۴۲	تکنسین‌ها و دستیاران
۲۱/۲۵	۱۴/۳	کارمندان امور دفتری و اداری
۴/۴۲	۴/۵۳	کارکنان خدماتی و فروشندگان در بازار
۲/۴۳	۱/۹	کارکنان ماهر، کشاورزی، جنگلداری و ماهیگیری
۲۸/۱۲	۱۶/۵۲	صنعتگران و کارکنان شاغل مرتبط
۰/۹	۰/۸	متصدیان ماشین آلات و دستگاه‌ها، مونتاژ کارها و رانندگان وسایل نقلیه
۲/۰۵	۱/۵	کارگران ساده
۹/۳۸	۳/۴۸	سایر اظهار نشده
۱۲/۰۹	۶/۶	میانگین

مأخذ: محاسبات تحقیق و سالنامه آماری استان سیستان و بلوچستان، ۱۳۸۸

جدول شماره (۵) نشان می‌دهد که در سال ۱۳۸۵، ۷۲/۷ درصد از زنان فعال اقتصادی در کارهایی نسبتاً نیازمند مهارت است (سه دسته اول مذکور در جدول)،



مشغول بوده‌اند. این نسبت در سال ۱۳۷۵، ۶۵/۲ درصد بوده است. این امر نشانه عدم موفقیت چشمگیر زنان در دستیابی به مشاغل حرفه‌ای و در مرحله‌ی بعد به مشاغل اداری بوده است. مشاغل خدماتی به سه بخش تقسیم می‌شوند: بخش آموزشی شامل معلمان و کارمندان مراکز تربیتی، بخش درمانی شامل پرستاران، ماماها و پزشکان و بخش خدمات اداری شامل منشیان و شاغلان اداری دیگر است. تعداد زنانی که در بخش‌های صنعتی کار می‌کنند، اندک است و عدم اشتغال آن‌ها در صنایع ساختمان، معدن و آب و برق بسیار محسوس است (جدول شماره ۶).

جدول شماره (۶): زنان شاغل اقتصادی ده ساله و بالاتر استان سیستان و بلوچستان،

سالهای ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵

۱۳۸۵	۱۳۷۵	شوح
۱۸۴۰	۲۰۲۸	کشاورزی*
۳۲	۱۱	معدن
۱۷۱۷۵	۴۳۳۳	تولیدی
۷۰۲	۳۷۰	ساختمان
۹۰	۹۱	تامین برق، گاز، آب
۳۱۷۷۳	۱۳۹۴۳	خدماتی و غیره

\* شامل شکار، جنگلبانی و ماهیگیری است.

مأخذ: محاسبات تحقیق و مأخذ: سالنامه آماری استان سیستان و بلوچستان، ۱۳۸۰

جدول شماره (۶) نشان می‌دهد که در سال ۱۳۸۵ حدود ۳۳ درصد از زنان فعال اقتصادی در بخش تولیدی، ۶۳ درصد در بخش خدمات و ۳/۵ درصد بخش کشاورزی مشغول بودند، در حالی که کمتر از ۲ درصد در ساختمان، معدن، برق، گاز آب و خدمات بهداشتی اشتغال داشته ویا در این بخش‌ها در جستجوی کار

بوده‌اند. این امر نشان می‌دهد که زنان در ترکیب جمعیت فعال بیشتر در مشاغل خدماتی، تولیدی، کشاورزی و کمتر در سایر مشاغل جذب می‌شوند. تحقیقات انجام شده در سطح استان و مطالعات موردی نشان می‌دهد که زنان در بخش روستایی، چه از نظر اقتصادی فعال به حساب بیایند یا نه، در فعالیت‌های کشاورزی و دامداری و صنایع دستی مشغولند. به همین دلیل نسبت زنان شاغل در فعالیت‌های تولیدی در مناطق روستایی و در کل استان، نسبتاً بالا است.

در سال ۱۳۸۵، تقریباً ۴۵ درصد از زنان در بخش عمومی و تعاونی و ۵۵ درصد در بخش خصوصی اشتغال داشتند. تقریباً ۵۲ درصد از زنان شاغل در بخش خصوصی و عمومی به عنوان کارمند به کار اشتغال داشته، ۳۳/۴۳ درصد از آنان به فعالیت‌های خود اشتغالی مشغول بوده و ۵ درصد دیگر به عنوان کارکنان فامیلی به کار گرفته می‌شدند.

جدول شماره (۷): زنان شاغل ده ساله به بالا از نظر شغل و بخش استان سیستان و

#### بلوچستان، سال‌های ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵

سایر	بخش خصوصی					بخش عمومی	بخش تعاونی	کل (%)	سال	شرح
	کارکنان فامیلی	کارمند	شاغل	کارفرما	کل					
۴/۷۵	۴	۱۰/۳	۲۰/۳۷	۰/۷۴	۳۵/۴۲	۵۹/۱۳	۰/۷	۱۰۰	۱۳۷۵	زنان
۳/۵	۵/۱	۷/۲	۳۳/۴۳	۵/۳	۵۱/۰۲	۴۵/۵	*	۱۰۰	۱۳۸۵	شاغل

\*- مزد و حقوق بگیران بخش تعاونی جزء سایر بخش‌ها منظور شده است.

مأخذ: محاسبات تحقیق و سالنامه آماری استان سیستان و بلوچستان، ۱۳۸۸.

#### ۵- سواد زنان

از آن جا که سطح سواد زنان استان سیستان و بلوچستان یکی از علل پایین بودن میزان فعالیت آنان به شمار می‌رود، این بخش به سواد زنان در استان سیستان و

بلوچستان می‌پردازد. طی سال‌های گذشته تعداد زنان با سواد به طور قابل توجهی افزایش یافته است. توجه به جدول زیر این واقعیت را نشان می‌دهد.

**جدول شماره (۸): جمعیت زنان با سواد (همه سنین) در مقایسه با مردان با سواد  
استان سیستان و بلوچستان ۱۳۳۵ - ۱۳۸۵**

شرح		۱۳۳۵	۱۳۴۵	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۵	۱۳۸۵
زنان باسواد	کل	۲۰۶۸	۱۰۲۲۲	۴۸۶۵۳	۱۰۹۵۴۵	۲۲۲۳۸۴	۳۳۶۴۸۷
	درصد	۱	۴/۶	۱۵/۰۵	۱۸/۴۳	۳۱/۱۳	۳۹/۷۲
مردان باسواد	کل	۱۳۸۶۹	۴۰۲۶۳	۱۰۵۰۵۰	۲۰۷۹۷۷	۳۳۹۷۵۲	۴۶۶۳۳۸
	درصد	۶/۳۲	۱۷/۳۱	۳۰/۸	۳۴/۵	۴۵/۸۶	۵۳/۲۶

مأخذ: محاسبات تحقیق و سالنامه آماری استان سیستان و بلوچستان، ۱۳۸۸.

مطابق با جدول شماره (۹)، در سال ۱۳۸۵ نسبت زنان با سواد به کل جمعیت زنان تقریباً ۵۲ درصد بود، در حالی که در سال ۱۳۳۵ از هر صد نفر تنها ۱ نفر باسواد بودند. با توجه به داده‌های ارائه شده، اولاً رشد جمعیت با سواد استان از رشد جمعیت سریع‌تر بوده است؛ ثانیاً تعداد مردان باسواد از تعداد زنان باسواد بیشتر است و شکاف بین این دو نسبت هنوز زیاد است. اما میزان افزایش جمعیت باسواد زنان خیلی سریع‌تر از مردان بوده است.

در مورد دانش آموزان، اطلاعات موجود نشان می‌دهد که طی سال تحصیلی ۸۸-۱۳۸۷، ۵۴۹۶۰۰ نفر دانش آموز در استان وجود داشته که ۲۹۷۴۱۰ نفر آنها پسر و ۲۵۲۱۹۰ نفر دختر بوده است. بیش از ۱۴۱۱۸۷ نفر دانش آموزان دختر استان در سطح ابتدایی تحصیل می‌کرده‌اند.

در مورد سطح سواد زنان در روستاها و شهرهای استان، آمار نشان می‌دهد که این سطح در مناطق شهری و روستایی هنوز متفاوت است (جدول شماره ۹).

جدول شماره (۹): سطح سواد در میان زنان (همه سنین) با توجه به منطقه استان

سیستان و بلوچستان ۱۳۳۵ - ۱۳۸۵

شرح	۱۳۳۵	۱۳۴۵	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۰	۱۳۷۵	۱۳۸۵
شهری	۹/۵۲	۲۱/۴۱	۳۴/۳۲	۲۹/۶۵	۴۲/۸۸	۵۲/۳۱	۶۰/۱۱
روستایی	۰/۲	۱/۴۴	۹/۰۲	۱۰/۸۲	۲۲/۱۵	۲۹/۰۴	۴۳/۶۲
کل استان	۳/۷۲	۱۱/۰۹	۲۳/۱۳	۲۶/۵۲	۳۸/۶۳	۴۶/۶	۵۷/۳

مأخذ: محاسبات تحقیق و سالنامه آماری استان سیستان و بلوچستان، ۱۳۸۸

در سال ۱۳۸۵ فقط ۴۳/۶۲ درصد از زنان روستایی با سواد بودند، در حالی که ۶۰/۱۱ درصد از زنان شهری از سواد بهره مند بودند. این نسبت‌ها در سال ۱۳۳۵ به ترتیب ۰/۲ درصد و ۹/۵۲ درصد بود. پس سواد در میان زنان روستایی در مقایسه با زنان شهری خیلی سریع‌تر رشد کرده، اگر چه این میزان هنوز پایین است. واضح است که میزان باسوادی در میان زنان، به خصوص در مناطق روستایی، به سرعت رشد داشته، اگر چه هنوز مقدار آن پایین است. از طرفی این بهبودی به افزایش چشمگیری در مشارکت زنان در فعالیت اقتصادی منتهی نشده است. پس دلایل را باید در جایی دیگر جستجو کرد؛ میزان پایین باسوادی و کم سواد بودن شک در این مورد دخیل است.

جدول شماره (۱۰): زنان شاغل بر حسب تحصیلات استان سیستان و بلوچستان  
سال‌های ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵

سال	بی سواد	ابتدایی	راهنمایی	متوسطه	پیش دانشگاهی	عالی	سا یر
۱۳۷۵	۴۸/۰۴۵	۲۲/۱۶	۱۱/۱۶	۱۱/۱۲	۰/۰۵	۱/۰۸	۰/۷۵
۱۳۸۵	۲۷/۳۱	۱۰/۸۵	۶/۲۳	۱۹/۷۵	۲/۳۳	۳۰/۰۲	۳/۴۷

مأخذ: محاسبات تحقیق و سالنامه آماری استان سیستان و بلوچستان، ۱۳۸۸

با توجه به جدول شماره (۱۰) می‌توان گفت از نسبت زنان با تحصیلات پایین طی سال‌های ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵ (بی‌سواد، سوادآموزی و ابتدایی) کاسته شده و نسبت زنان شاغل با تحصیلات بالاتر افزایش پیدا کرده است. در سرشماری سال ۱۳۷۵ درصد بالایی از زنان شاغل، بی‌سواد (تقریباً ۴۸ درصد) بی‌سواد بوده‌اند؛ اما بر اساس سرشماری سال ۱۳۸۵، ۳۰/۰۲ درصد زنان شاغل تحصیلات عالی داشته‌اند. این موضوع نشان می‌دهد که افزایش تحصیلات زنان در افزایش میزان نسبت اشتغال آنان تأثیر داشته و زنان با تحصیلات بالاتر شانس بیشتری برای استفاده از فرصت‌های شغلی دارند. نکته دیگری که می‌توان به آن اشاره کرد این است که زنان با تحصیلات پایین، بیشتر در بخش خصوصی (کارفرمایان، کارکنان مستقل، مزد و حقوق بگیران و کارکنان فامیلی بدون مزد) به کار اشتغال دارند و زنان با تحصیلات بالاتر بیشتر در بخش عمومی فعالیت دارند. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که تحصیلات عالی راه را برای ورود زنان به عرصه و حوزه اشتغال عمومی و دولتی فراهم کرده است.

#### اشتغال زنان در ایران

اشتغال زنان در کشور ما طی سال‌های ۱۳۸۶-۱۳۴۵ در نوسان بوده است. کل اشتغال زنان کشورمان از ۳/۱۳ درصد در سال ۱۳۴۵ به ۹/۱۳ درصد در سال ۱۳۵۵ و ۲/۸ درصد در سال ۱۳۶۵ رسیده است. قابل توجه است که تعداد زنان شاغل در دوره قاجار ۱۰ درصد بوده است (!). که البته آمارهای بعدی بیانگر سیر صعودی اشتغال زنان در سال ۱۳۵۵ (۹/۱۳٪) می‌باشند. به گفته خانم والتین مقدم، علت تفاوت فاحش آمار اشتغال زنان در سال ۱۳۶۵ نسبت به ۱۳۵۵ منظور کردن صنایع خانگی روستایی در آمارگیری اشتغال زنان و مخفی ماندن این بخش از دید آمارگیران در سال ۱۳۶۵ می‌باشد. طی سال‌های ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۵ شاهد سیر صعودی میزان اشتغال تا ۱/۹٪ بوده‌ایم. طی سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۴ میزان اشتغال زنان بطور متناوب سیری صعودی را طی کرده و به ۱/۱۷٪ رسیده ولی در سال ۱۳۸۶ به ۷/۱۶٪ تنزل کرده است.

بررسی نرخ بی‌کاری نیز نشان می‌دهد که در بهار ۱۳۸۶ نرخ بی‌کاری زنان ۲/۱۵٪ و مردان ۳/۹٪ بوده است. میزان بی‌کاری زنان بین سال‌های ۸۳-۱۳۷۵، ۱/۳٪ افزایش یافته است، به طوری که نرخ بی‌کاری مردان ۲/۹٪ و زنان ۱/۱۷٪ اعلام شده است. به عبارت دیگر نرخ بی‌کاری در سال ۸۳ در زنان دو برابر مردان بوده است. حضور کم‌رنگ زنان در عرصه‌های مختلف شغلی از جمله پست‌های مدیریتی، قانونگذاری نیز به وضوح دیده می‌شود، به طوری که بر طبق آمار حضور زنان در سطوح مختلف مدیریتی در سال ۱۳۷۵، ۷۲۶ نفر اعلام شده که ۲۷/۰ درصد در سطح مدیران عالی، ۲۰/۹ درصد در سطح مدیران میانی و ۷۷/۸۳ درصد در سطح مدیران پایه بوده‌اند. البته طی سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۰

تعداد مدیران زن با ۳۲/۱۰ درصد رشد سالانه، از ۷۲۶ نفر به ۱۱۲۸۶ نفر افزایش یافته است.

طبق آمار سال ۱۳۸۰ دو وزارتخانه بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و امور اقتصادی و دارایی به ترتیب با دارا بودن ۶۴/۲۵ درصد و ۳۱/۱۹ درصد از سهم کل مدیران، بیشترین تعداد مدیران زن را داشته‌اند و وزارت دفاع با ۰۹/۰ درصد، مجلس شورای اسلامی با ۲۵/۰ درصد، وزارت امور خارجه با ۶۷/۰ درصد از سهم کل مدیران، کمترین تعداد مدیر زن را در بین دستگاه‌های دولتی دارا بوده‌اند. سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نیز تنها دستگاهی است که در سال ۱۳۸۰ هیچ مدیر زنی در آن فعالیت نداشته است. حضور کمرنگ زنان در پست‌های مدیریتی عالی با توجه به ابعاد رشد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی کشور نشان می‌دهد که جامعه ایران نسبت به حضور زنان در پست‌های عالی مدیریتی با حساسیت رفتار می‌کند. آمارها نشان می‌دهد که میزان اشتغال زنان با تحصیلات آنان ارتباط تنگاتنگ دارد به طوری که میزان اشتغال در زنان دارای تحصیلات عالی ۴ برابر زنان دارای تحصیلات متوسطه و ۱۳ برابر زنان بی‌سواد می‌باشد.

#### بحث و تفسیر

می‌توان اشتغال زنان را از جنبه‌های گوناگون بررسی کرد. اول، مشارکت اقتصادی و اجتماعی زنان؛ دوم، نیاز شخصی زنان به اشتغال و نیاز جامعه به استخدام زنان و سوم، وظایف سه‌گانه‌ی خاص زنان شامل همسری، خانه‌داری و مادری.

## ۱- پایین بودن میزان فعالیت اقتصادی زنان

به منظور دستیابی به توسعه و آسایش و ارتقای عزت انسان، استفاده بهینه از منابع و مهارت‌های انسانی دارای اهمیتی فراوان است. نمی‌توان به این مهم دست یافت، مگر همه تلاش‌ها به سوی تشویق و تسهیل مشارکت مؤثر مردم در جامعه منعطف شود. مشارکت باید از دو جهت اساسی در نظر گرفته شود: به حساب آوردن همه مردم و استقبال از همه فعالیت‌ها. در این خصوص و در ارتباط با فعالیت زنان، بیشترین توجه و تأکید تاکنون به مشارکت مؤثر زنان در فعالیت‌های اجتماعی شده است. با این که فراهم آوردن شرایط مورد نیاز برای مشارکت زنان در فعالیت‌های اقتصادی جامعه بسیار ضروری است، فعالیت‌های اقتصادی زنان تا حدود زیادی مورد غفلت قرار گرفته است. از این رو، مشارکت زنان در جامعه‌ی ایران و استان سیستان و بلوچستان بیشتر از جنبه‌های اجتماعی مورد بحث و بررسی قرار گرفته است، در حالی که اهمیت فعالیت اقتصادی زنان به عنوان پیش‌نیاز توسعه اقتصادی و اجتماعی تحت الشعاع قرار گرفته است. به نظر می‌رسد که اهمیت مشارکت زنان در فعالیت‌های غیراقتصادی نسبت به فعالیت‌های اقتصادی آنان بیشتر مورد توجه و پذیرش جامعه‌ی ایرانی قرار گرفته ولی اهمیت فعالیت‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی زنان نباید فعالیت‌های اقتصادی آنان را تحت تأثیر قرار دهد.

## ۲- نیاز زنان به اشتغال

علاوه بر نیاز جامعه به اشتغال زنان، آنان اغلب برای کمک به خانواده، تضمین آینده و حتی به عنوان نان‌آور به اشتغال نیازمند هستند. این امر که مردان، مسئول تأمین مخارج زندگی هستند، با نیاز شخصی زنان به اشتغال منافاتی ندارد. نگاهی به دیدگاه اسلام درباره اقتصاد خانواده نشان می‌دهد که زنان این حق را دارند که در



مقابل کاری که در خانه انجام می‌دهند و حتی شیردادن نوزاد درخواست دستمزد کنند. این امر تأکید و تاییدی است بر این که زنان به اشتغال و استقلال اقتصادی نیاز دارند.

### ۳- تمایز بین وظایف زنان

جنبه دیگر اشتغال زنان تمایز میان وظایف سه‌گانه‌ی خانوادگی آنان به عنوان همسر، خانه‌دار و مادر است. قاعدتاً هیچ یک از این وظایف نباید مانع از استخدام آنان شود. هر یک از مسئولیت‌های زنان در برگیرنده وظایفی ویژه است. وظیفه همسر بودن لزوماً باعث انفعال اقتصادی زنان در جامعه نمی‌شود. وظیفه خانه‌داری نشان می‌دهد که زنان نقش مهمی در مدیریت خانه دارند؛ اما این وظیفه‌ای مشترک بین زن و مرد است. مسئولیت‌های زندگی بین زن و مرد تقسیم شده است و باید زندگی مشترک زن و مرد در کانون خانواده فرآیندی هماهنگ باشد. برخلاف تلقی عموم، خانه‌داری تنها به زنان سپرده نشده است. قبول و انجام وظایف خانه‌داری از جانب زنان به معنی عدم مسئولیت‌پذیری مردان در امر خانواده نیست. همان‌گونه که عقلاً وظیفه مردان خلی در شغل آنان ایجاد نمی‌کند، وظیفه‌ی خانه‌داری زنان نباید عملاً با اشتغال آنان تضادی داشته باشد. اگر چه وظیفه مادری در تربیت فرزندان نقشی کلیدی دارد، اما نباید وظیفه‌ی پدری را کم‌رنگ جلوه دهد یا از بین ببرد. این دو وظیفه به هم مرتبط و مکمل یک‌دیگر هستند. وظیفه‌ی مادری همانند وظیفه‌ی پدری قاعدتاً نباید با اشتغال تضادی داشته باشد. بنابراین هیچ یک از وظایف زنان منطقی با اشتغال آنان تضادی ندارد.

برای این که نیازهای یک حرفه با اقتضات خانه‌داری هماهنگی داشته باشد، زنان ترجیح می‌دهند که به کار نیمه وقت یا پاره وقت پردازند، به خصوص

هنگامی که هنوز فرزند کوچک دارند. مشاغل نیمه وقت یا پاره وقت از نظر شرایط مختلف مانند حقوق، امنیت شغلی و شرایط کاری در مقایسه با شغل تمام وقت کمتر مطلوب است. با وجود این، افزایش فرصت‌های شغلی نیمه وقت یا پاره وقت یکی از راه‌های افزایش اشتغال زنان است.

#### دلایل پایین بودن مشارکت اقتصادی زنان در ایران و استان سیستان و بلوچستان

در سال‌های پس از انقلاب از دو مقوله مورد توجه قرار گرفت. اینکه اول زنان در شکل‌گیری انقلاب نقش قابل توجهی داشتند. این نشان‌دهنده‌ی دانش زنان و مشارکت روزافزون آنان در جامعه است، ولی این امر به توسعه‌ی فعالیت اقتصادی زنان منجر نشده است. دوم اینکه پس از انقلاب به دلیل تغییر شرایط، به تدریج محیط کار برای زنان از نظر اسلامی تغییر کرده است. این تغییرات قاعدتاً محدودیت‌ها و موانع احتمالی اشتغال زنان را به دلیل ملاحظات مذهبی کاهش داده است. با در نظر گرفتن این دو مورد انتظار می‌رفت میزان فعالیت اقتصادی زنان و مشارکت آنان در جامعه‌ی پس از انقلاب از افزایش چشمگیری برخوردار باشد، اما مقدار فعالیت اقتصادی زنان پس از انقلاب و به خصوص بعد از وقوع جنگ به جای افزایش به شدت کاهش یافته است. این عوامل موجب شد که میزان فعالیت زنان استان سیستان و بلوچستان در سال ۱۳۶۵ تنها به میزان ۷/۸ درصد باشد، اگرچه پس از آن این مقدار اندکی افزایش یافته است.

انتظار می‌رفت که عدم استفاده بهینه از زنان و مشارکت اندک آنان در فعالیت‌های اقتصادی مورد بحث و بررسی جدی قرار گیرد و در برنامه ریزی‌های اقتصادی و اجتماعی مورد توجه قرار گیرد، اما چنین نشد.

براساس آمار شاخص‌های توسعه انسانی سازمان ملل (۲۰۰۳)، میزان فعالیت اقتصادی زنان از ۵/۴ درصد در سال ۱۳۶۵ به ۹/۱ درصد در سال ۱۳۷۵ و سپس به ۱۰/۷ درصد در سال ۱۳۸۱ رسید. ولی این افزایش از نظر فعالیت اقتصادی هم در مقایسه با شرایط کشور در چهل سال پیش و هم با روند توسعه‌ی جهانی از میزان عمق عقب‌ماندگی زنان نمی‌کاهد. تحقیقی که در سال ۲۰۰۱ برای میزان فعالیت زنان پانزده ساله به بالا انجام شده، از این حکایت دارد که در سال ۱۹۹۷ زنان ایرانی از نظر فعالیت اقتصادی در جهان در بین صد کشور مورد مطالعه در رتبه صد و ششم بوده‌اند (زئرانژاد ۱۹۹۸). علی‌رغم این بهبود نسبی طی دهه گذشته، این میزان هنوز بسیار پایین است و این حقیقت که مقدار فعالیت اقتصادی زنان برای مدت چهل سال بدون تغییر مانده، به توجه بیشتری نیاز دارد. پرسشی که مطرح می‌شود، این است که چرا میزان فعالیت اقتصادی زنان کاهش یافت و چرا این مقدار هنوز به طور عجیبی پایین است؟

در این جا تلاش می‌شود دلایل احتمالی پایین بودن میزان فعالیت اقتصادی زنان و نیز دلایل کاهش آن مطرح شود. برخی از این دلایل به شرح زیر است:

- ۱- کمبود تقاضا برای نیروی کار
- ۲- وجود بی‌کاری و به خصوص بی‌کاری نسبی مردان در بازار کار موجب شده است که به کارگیری زنان از سوی کارفرمایان کمتر مورد توجه قرار گیرد.
- ۳- افزون بودن جمعیت جوانان در ساختار جمعیتی کشور
- ۴- بسیاری از زنان ایرانی (و هم چنین برخی از مردان) شاغل در مشاغل اشتغال دارند که بنا بر تعاریف سازمان جهانی کار جزء آمار جمعیت فعال اقتصادی به شمار نمی‌روند. زنان به خصوص در مناطق روستایی در فعالیتهای مختلفی

همچون کشاورزی، دامداری، مشاغل خانوادگی مشغولند اما از نظر اقتصادی فعال به حساب نمی آیند.

۵- افزایش چشمگیر حضور دختران در مدارس و دانشگاه ها

۶- میزان پایین سواد در میان زنان نسبت به مردان

۷- تبعیض علیه زنان توسط کارفرمایان به دلایل گوناگون، هم چون قدرت فیزیکی کمتر در مقایسه با مردان و فقدان حمایت های قانونی برای شاغلان زن.

۸- تقویم روزانه و هفتگی کار و ساعات غیرقابل انعطاف، از حضور فعال زنان متأهل در بازار کار جلوگیری می کند. اشتغال پاره وقت به راحتی با نیازهای زمانی خانواده مطابقت می کند.

۹- تأکید لازم بر اهمیت و لزوم حضور زنان در فعالیتهای اقتصادی انجام نشده است و بنابراین انگیزه ی لازم برای حضور زنان در فعالیتهای اقتصادی در بازار کار به اندازه ی کافی ایجاد نشده است.

۱۰- رضایت از مشارکت زنان در برخی از فعالیتهای اجتماعی غالباً از نقش زنان در شکل گیری انقلاب ناشی می شود. غالباً مشارکت زنان در فعالیتهای اجتماعی مناسب تر از مشارکت آنان در فعالیتهای اقتصادی ارزیابی می شود. جامعه فعالیتهای اجتماعی زنان را خیلی با ارزش تر از فعالیتهای اقتصادی آنان ارزیابی می کند.

۱۱- تفکر رایج و غالب جامعه این است که نان آوران خانواده ها مردان هستند.

۱۲- تفکر عمومی در زمینه ی تقسیم کار بین زن و مرد به گونه ای است که زن مسئول کارهای داخل خانه و مرد مسئول کارهای خارج از خانه است.

۱۳- در فرهنگ جامعه وظیفه‌ی زن به عنوان خانه‌دار بیشتر مورد توجه و تأکید قرار گرفته است. در نتیجه وظیفه‌ی اصلی زن خانه‌داری تلقی شده است.

۱۴- وظیفه‌ی زنان به عنوان مادر برای بزرگ کردن و تربیت فرزندانشان تا حدی مورد توجه و تأکید قرار گرفته که به نظر می‌رسد زن تنها کسی است که باید زندگی خویش را صرف تربیت فرزندان کند. در همین حال وظایف و مسئولیت‌های مردان در این مورد تا حدی نادیده گرفته شده است.

باتوجه به عوامل یاد شده و تأثیر آن‌ها بر کاهش جدی مشارکت زنان ایرانی در فعالیت‌های اقتصادی، به نظر می‌رسد دلیل اصلی پایین بودن میزان فعالیت اقتصادی زنان کمبود تقاضا برای نیروی کار در ایران است و در دسترس بودن تعداد زیادی از مردان بی‌کار یا کم‌کار برای هر فرصت شغلی زمینه را برای اشتغال زنان محدود کرده است. با وجود این، شکی نیست که زنان در همه جای کشور با صرف ساعات زیادی به کارهای سخت مشغولند و این کارهای سخت و نامشهود در آمارهای رسمی نه به حساب می‌آید و نه به آن حقوق و دستمزدی تعلق می‌گیرد. بی‌تردید این فعالیت‌ها و کارهای طاقت فرسا از حدود وظایف خانه‌داری و مراقبت از فرزندان بسیار فراتر می‌رود و همه‌ی عرصه‌ی حیات اقتصادی را در برمی‌گیرد، اگر چه به لحاظ آمار و ارقام ثبت نشود و در برابر دریافت حقوق و دستمزد نباشد. به هر حال، اگرچه اغلب مردم بقای خانواده را به عنوان نهاد اصلی سازنده‌ی جامعه، به انجام منظم و مستمر وظایف سه‌گانه‌ی زنان (همسراری، خانه‌داری و بچه‌داری) وابسته می‌دانند، تا کنون هیچ‌کس نتوانسته ثابت کند که تنها زنان همیشه به انجام دادن این وظایف اساسی محکوم هستند.

## منابع

۱. جزایری، شیرین (۲۰۰۳)، دستمزد زنان در آلمان، ([www.iran.com](http://www.iran.com))
۲. جعفرنژاد، احمد و محمد رحیم اسفیدانی (۱۳۸۴)، وضعیت زنان در اشتغال و مدیریت مطالعه موردی ایران، مطالعات زنان، بهار ۱۳۸۴، ۷۷-۱۰۳.
۳. جواهری فاطمه، سراج زاده سیدحسین، رحمانی ریتا (۱۳۸۹)، تحلیل اثرات اشتغال زنان بر کیفیت زندگی آنان (مطالعه موردی: زنان شاغل در وزارت جهاد کشاورزی)، در توسعه و سیاست (پژوهش زنان) تابستان ۱۳۸۹، ۱۴۲-۱۶۳.
۴. رسول پور عربی، حسین (۱۳۷۶)، بررسی نقش زنان در فعالیتهای اقتصادی مناطق روستایی شهرستان رامسر، رساله کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید باهنر کرمان.
۵. عظیمی، لیلا (۱۳۸۰)، بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت اجتماعی زنان مطالعه موردی زنان شهر شیراز، رساله کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز.
۶. مرکز آمار ایران (۱۳۸۲)، سالنامه آماری کل کشور.
۷. مرکز امور مشارکت زنان (۱۳۸۰)، بررسی سازوکارهای مناسب در ایجاد فرصتهای اشتغال زنان در بخشهای دولتی، وزارت کشور، مرکز امور مشارکت زنان.
۸. مرکز آمار ایران (۱۳۸۳)، آمارگیری از ویژگیهای اشتغال و بیکاری خانوار.
۹. معاونت برنامه ریزی استانداری استان سیستان و بلوچستان، سالنامه آماری استان، ۱۳۸۴.

۱۰. معاونت برنامه ریزی استانداری استان سیستان و بلوچستان، سالنامه آماری استان، ۱۳۸۸.
۱۱. مهدوی، صادق (۱۳۸۳)، بررسی موانع و مشکلات اشتغال زنان در بخشهای دولتی کشور، خیرگزاری ایسنا، خرداد.
۱۲. نقیب السادات، سیدرضا (۱۳۸۱)، وضعیت زنان در روند جهانی شدن، فصلنامه‌ی کتاب زنان، شماره ۱۱.
۱۳. یزدخواستی، بهجت و وکیل احمدی (۱۳۸۶)، بررسی وضعیت فعالیت و اشتغال زنان در ایران با تاکید بر سرشماری ۱۳۸۵، مجله مطالعات زنان، شماره ۳.

14. Delbono, E., "Total Fertility Rates and Female Labour Force Participation in Great Britain and Italy: Estimation of Reduced form Model Using Regional Panel Data", [www.aial.it/bachecca/](http://www.aial.it/bachecca/)
15. Ling yang, H. (2000), "Education Married Woman's Participation, Fertility and Economic Growth", *Journal of Economic Development*, Vol.25, No. 2, December.
16. - UN, "Human Development Reports", 2003, [www.undp.org/hdr/2003/indicator/indic-223-1-1.htm/](http://www.undp.org/hdr/2003/indicator/indic-223-1-1.htm/).
17. Nihar Ranjan Mishra & Sanjay Kumar Mohanty (2003), "Understanding the Occupational Pattern of Labor Force in States and Districts of India", [www.iipsindia.org](http://www.iipsindia.org),
18. Zarra Nezhad, M. (1998), "Employment of women in Iran", *SOAS Economic Digest*, Issue 2, No. 2.





